

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 10, Winter 2020-2021, 207-227
Doi: 10.30465/crts.2020.5881

On *Professional Ethics in Library and Information Science:* A Critical Review

Mahdi Shaghghi*

Abstract

This article aims to contribute in a critical review of the textbook “*Professional Ethics in Library and Information Science*”. This book was authored in 2011 by Gharamaleki, Derakhshani, and Rezaei Sharif-Abadi and published by SAMT (The Organization on Researching and Composing University Text Books in Humanities) publications. Using the conceptual analysis method, I tried to go over from extensions to conceptions and took a theoretical perspective on professional ethics. At first, I offered an analytical bibliography about references close to this work and drew its position among them, and undertook a critique about its form, format, and formal condition. Then, the main parts of the critique include an unclear shift from consequentialism language and term toward right-based term, imbalance conceptualizations, lack of concern to rights of all players of library domain, the need to take more attention toward marginal groups, the need to take policymaking approach about ethical problems, the problem of the chaotic state of the definition of librarianship in some sections, the need to study more ethical models and references.

Keywords: Professional Ethics, Library Ethics, Information Ethics, Right-Based Ethics, Consequentialism.

* Assistant Professor, Department of Knowledge & Information Science, SBU University,
m_shaghghi@sbu.ac.ir

Date received: 2020-06-13, Date of acceptance: 2020-11-07

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقدی بر کتاب

اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی

مهدی شقاقی*

چکیده

هدف از نگارش این مقاله نقد تحلیلی کتاب *اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی* تألیف فراملکی، درخشانی، و رضائی شریف‌آبادی (۱۳۹۰) از انتشارات سمت است. تلاش شده است تا با نگاهی نظری به کتاب فراتر از افق آن حرکت شود و از نقد مصادیق به نقد مفاهیم گذر شود. برای رسیدن به هدف از روش تحلیل مفهومی استفاده شده است. درابتدا، تلاش شده است تا با ارائه کتاب‌شناسی تحلیلی از آثار حول و حوش این اثر جایگاه این کتاب مشخص شود. سپس، نقدی شکلی از مقدماتی‌ترین موارد تا امور انتزاعی‌تر کتاب ارائه شده است. بعد، در پنج محور اصلی به نقد محتوایی کتاب پرداخته شده و در نهایت رهنمودهایی عملی برای تقویت کتاب ارائه شده است. محورهای اصلی نقد شکلی را صفحه‌آرایی، نمایه، و طراحی جلد کتاب تشکیل می‌دهند و محورهای اصلی نقد محتوایی شامل تغییر زبان نگارش از زبان نتیجه‌محور به زبان حق‌محور، مفهوم‌پردازی ناهم‌سنگ، لزوم توجه به حقوق همه صاحبان حق، لزوم توجه به گروه‌های خاص، لزوم اتخاذ رویکردی سیاستی در ارائه پیشنهادهای اخلاقی، نیاز به تمرکز به تنگناهای اخلاقی، مشکل تغییر رویکرد در تعریف پایه کتاب‌داری و «چیز» موردبررسی در این رشته، به مطالعه مدل‌های اخلاقی بیش‌تر و تقویت منابع و مستندسازی دقیق‌تر نیاز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اخلاق حرفه‌ای، اخلاق کتاب‌داری، اخلاق اطلاعات، اخلاق حق‌محور، اخلاق نتیجه‌محور.

* استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، m_shaghghi@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷

۱. مقدمه

مباحث و مسائل اخلاقی، در محیط کار کارگزاران و متخصصان حوزه اطلاعات در عصری که فناوری اطلاعات سیطره خود را به‌طور فزاینده بر حیات مادی و معنوی انسان امروز گسترش می‌دهد هر روز اهمیت بیش‌تری می‌یابد. مللی که با اعمال تفسیری مفاد دینی در قوانین و رویه‌ها سعی در واردساختن دین در عرصه عمومی دارند و خواستار تبعیت از سیاست و قانون مبتنی بر احکام الهی هستند و عمده تصمیمات خود را با توجیهات دینی اتخاذ می‌کنند، به این حوزه از اخلاق، یعنی اخلاق کار، در محیط اطلاعاتی نیز از این منظر می‌نگرند و به سیاست‌ها و اهداف مادی صبغه دینی می‌دهند؛ اما ورود کشورهای غربی به حوزه اخلاق در محیط‌های اطلاعاتی مثل اخلاق کتاب‌داری، اخلاق اطلاعات، اخلاق کامپیوتر، و اخلاق فناوری اطلاعات به دلیل اهمیت «اصل توسعه» است (میرباقری ۱۳۹۲) و این نکته را می‌توان در قوانین و معاهدات بین‌المللی هم‌چون کنوانسیون برن و پاریس به‌وضوح دید. ملل توسعه‌یافته که امروزه بیش از پیش به جذب نیروهای نخبه و ایجاد محیط امن برای فعالیت علمی نخبگان و متخصصان برای گسترش مرزهای توسعه و مسخرکردن طبیعت برای رفاه انسان می‌اندیشند، مهم‌ترین وسیله ایجاد محیطی امن و سالم برای توسعه مادی را توسعه اخلاق در محیط‌های اطلاعاتی می‌داند تا بتواند زمینه را برای تفکر پیش‌رونده، بی‌دغدغه، و امن برای فعالیت نخبگان فراهم سازند. بنابراین، ورود سیاست‌گذاران کشورهای توسعه‌یافته به بحث اخلاق در محیط‌های اطلاعاتی مادی است (همان)؛ هرچند مردم آن کشورها مثل سایر ملل اخلاق را در قالب قواعدی درون‌زاد و به‌صورت موقعیت‌مند تجربه می‌کنند، اما کشور ما که در آن صبغه دینی دادن به راه‌بردها و سیاست‌های کلان مادی از سوی سیاست‌گذاران هنوز پررنگ است و ازسوی دیگر قدم در راه مدرن‌شدن گذاشته است، هر دو دغدغه فوق را دارد. ازسویی به توسعه اخلاقی برای محیط‌های اطلاعاتی نیاز دارد که تراحمی با دین نداشته باشد و ازسوی دیگر زمینه را برای توسعه مادی فرد و جامعه فراهم سازد. مرام‌نامه‌ها و فتوت‌نامه‌های اخلاقی در سنت ایرانی - اسلامی ما نمودی از اولویت دغدغه‌های دینی بر دغدغه‌های مادی است، هرچند که هر دو جنبه مدنظر بوده است. ره‌نمود کلی اول این که اگر قرار است تا سنت ایرانی - اسلامی خویش را تداوم بخشیم، لازم است آثاری که در حوزه‌هایی چون اخلاق کتاب‌داران و اطلاع‌رسانان، فناوران اطلاعات، مهندسان، گرافیست‌ها، طراحان نرم‌افزار، و... تدوین می‌شود، هر دو جنبه را مدنظر داشته باشند.

بحث با اهمیت دیگر در مورد متون اخلاق حرفه‌ای مفهوم فلسفی «دیگری» (the other) است. نقطه عزیمت بسیاری از متون و نگارش‌های اخلاقی نویسندگان معاصر به اخلاق عزیمت از «خود اخلاقی» به «دیگری اخلاقی» است. انسان مدرن خود را به‌عنوان محور اخلاقی تصور می‌کند و آن را در ابتدا متوجه خود و سپس قابل‌تعمیم به دیگران می‌داند. حتی بهترین قواعد اخلاقی ما، یعنی امر مطلق یا امر تنجیزی (categorical imperative) کانت، بر خودمحوری مدرن از اخلاق مبتنا دارند. دریدا (Jacques Derrida) (۱۳۹۳) بحث می‌کند که قاعده طلایی اخلاق، یعنی «طوری رفتار کن که دوست داشته باشی رفتار به‌صورت یک قاعده جهانی درآید»، مبتنی بر خودمحوری اخلاقی نهادینه در روح انسان مدرن است؛ زیرا نقطه عزیمت اخلاق را در ابتدا در خود فرد جست‌وجو می‌کند. دریدا برای ساختارشکنی این جمله می‌گوید: «یک سادیست مازوخیستی است که از قاعده طلایی اخلاق تبعیت می‌کند». فرض کنیم که جهان ما آکنده از «سادومازوخیست‌ها» یا انواع آسیب‌رسانانی باشد که از همان نوع آسیب به خود نیز لذت می‌برند، آیا آن‌گاه می‌توانیم قاعده طلایی اخلاق را که عزیمتش به اخلاق خود فرد است محور قرار دهیم؟ جواب منطقیاً «خیر» است. بنابراین، رهنمود کلی دیگر در تدوین متون اخلاق حرفه‌ای اجتناب از تنفیذ روح خودمحور مدرن بر نگرش اخلاقی و به‌رسمیت‌شناسی و اولویت‌دهی «دیگری» در بینش، نگرش، موقعیت‌ها، و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است.

۲. روش پژوهش

از به‌کاربردن اصطلاح «روش‌شناسی» پرهیز می‌شود، چون در این‌جا به معرفی روش می‌پردازیم و بحثی در باب شناخت آن را، که مستلزم بررسی پیش‌فرض‌های روش و مطالعه تناسب آن با مسئله حاضر است، در پیش‌رو نداریم. در مقاله حاضر، از روش «تحلیل مفهومی» (conceptual analysis) استفاده کرده‌ایم. این روش بیش‌تر مورد استفاده رشته‌های فلسفه و الهیات، متافیزیک، اخلاق، و حوزه‌هایی این‌چنین است. افلاطون مؤسس اولیه این روش است. وی برای ارائه تعریف درباره «دانش» یا «شناخت» از این روش بهره برد و ابتدا شناخت را به اجزای سازنده‌اش شکست و سپس سعی کرد همه مصادیق شناخت را ذیل آن جای دهد. ممکن است در جای‌دهی مصادیق ناگزیر به افزودن مقوله‌ای جدید باشیم و این طی کار خود را نشان می‌دهد. اگر مقولات یک مفهوم را استخراج کنیم و همه مصادیق آن مفهوم را ذیل مقولات آن بچینیم، طوری که مصداق دیگری در نظر نیاید، تحلیل مفهومی

کرده‌ایم و ابعاد یک مفهوم را ساخته‌ایم. افلاطون اولین بار چنین کاری کرد و «دانش» یا «شناخت» را به «باور صادق موجه» (justified true belief) تعریف کرد (Fallis 2009). در این مقاله نیز ما به کاری شبیه به آن دست زده‌ایم و فراهای نقد بر کتاب *اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی* را مقوله‌بندی و مصادیق آن را ذکر کرده‌ایم، به طوری که مصادیقی از قلم نیفتند و هر دسته از مصادیق ذیل مقوله‌ای باشد.

۳. معرفی کلی اثر و نگاهی به جایگاه آن در میان سایر متون

کتاب *اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی* از مجموعه آثار «سمت» است که در گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی آن سازمان به سال ۱۳۹۰ انتشار یافته است. موضوع کتاب حاضر به بیان مؤلفان کتاب بحث درباره اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی است و اهمیت آن بدان دلیل است که کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک «شغل، خدمتی مفید است که جبران خدمت (مثل مزد) را در پی دارد و اگر بر عناصری چون دانش تخصصی، تجارب، مهارت‌ها، توانایی‌ها، ژرف‌نگری سیستمی، و مرام اخلاقی استوار شود حرفه ارتقا می‌یابد» (قراملکی و دیگران ۱۳۹۰: ۱). مؤلفان در فصل پنجم تأکید کرده‌اند که رویکرد کتاب حاضر در بحث درباره اخلاق حرفه‌ای اخلاق مبتنی بر حقوق است و «مراد از حقوق در این جا حقوق طبیعی است که غالباً غیرمدون و نانوشته‌اند» (همان: ۷۸). بنابراین، اخلاق حرفه‌ای اخلاقی است که به حقوق تمامی صاحبان حق توجه دارد. صاحبان حق در درس نهم در دو دسته صاحبان حقوق در محیط درونی کتاب‌خانه و صاحبان حقوق در محیط بیرونی کتاب‌خانه تقسیم شده‌اند (همان: ۱۱) که دسته اول شامل کتاب‌داران، مالکان، مدیران، واحدهای تابعه، و سایر کارکنان است و دسته دوم شامل کاربران، تأمین‌کنندگان، رسانه‌های گروهی، سازمان‌های مردم‌نهاد، رقبا، و شهروندان می‌شود. در کتاب حاضر در فصل هشتم تأکید شده است که ره‌یافت اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی باید دارای ره‌یافت سازمانی باشد نه فردگرایانه (همان: ۱۳۷) و «توجه به نقش راه‌بردی اخلاق در سازمان و نیز توجه به مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی سازمان سبب شد تا فراتر از افراد و منابع انسانی بر اخلاقی بودن کتاب‌خانه و مراکز اطلاع‌رسانی تأکید شود» (همان). لذا، «آیین‌نامه‌ها و تصمیم‌ها مورد‌میزی اخلاقی قرار می‌گیرند» (همان) و بنابراین اخلاق حرفه‌ای در سطح تصمیمات، سیاست‌ها، و آیین‌نامه‌ها در این کتاب مورد تأکید است، نه رفتار اخلاقی فردی. بدین‌روی، در فصول نهم تا دوازدهم، مسئولیت اخلاق کتاب‌خانه‌ها و

مراکز اطلاع‌رسانی در قبال جامعه، کاربران، کتاب‌داران، پدیدآورندگان اثر، و حرفه کتاب‌داری مورد بحث قرار گرفته است.

کتاب فصل‌بندی منظم دارد. از مسائل کلی اخلاق (درس ۱ و ۲) شروع شده، به نظریه‌های اخلاقی در نظر فیلسوفان اسلامی و غربی پرداخته (درس ۳ و ۴)، به تعریف حرفه و کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی به‌مثابه حرفه پرداخته (درس ۵ و ۶)، بُعد سازمانی کتاب‌خانه بحث شده (درس ۷)، ضرورت بحث درباره اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داری بررسی شده (درس ۸)، به مسئولیت‌های اخلاقی سازمان کتاب‌خانه در قبال صاحبان حق پرداخته (درس ۹ تا ۱۲)، بحث مدیریت اخلاق در سازمان مطرح شده (درس ۱۳)، نمونه‌هایی از عهدنامه‌های اخلاق حرفه‌ای در کشورهای مختلف آورده شده (درس ۱۴)، و در نهایت بحثی درباره اصول اخلاقی در اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات شده است (درس ۱۵). چپش فصول از کلی به جزئی انسجام خوبی به کلیت فصول بخشیده است. کتاب از نظر چاپ و صحافی در سطح خوبی است و اغلاط املائی و نگارشی در آن دیده نمی‌شود. صفحه‌آرایی و طراحی جلد مناسب از ویژگی‌های خوب دیگر کتاب است. کتاب در مجموع اطلاعات خوب و مفیدی درباره ضرورت و اهمیت اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری به حرفه‌مندان این رشته می‌دهد و مسائل خوب چندی در این خصوص پیش می‌کشد. رویکرد مبتنی بر حقوق در اقامه اخلاق حرفه‌ای نیز تلاش متفاوتی در کتاب حاضر است که آن را متفاوت و قابل توجه ساخته است. از نکات بارز و درخور تقدیر کتاب حاضر نثر روان و رسای کتاب، استفاده از شعر و کلمات قصار در لابه‌لای سطور، طرح پرسش در دوسه جای کتاب از زبان خوانندگان، طرح مثال و نمونه در دو یا سه کادر در کتاب، و بیان اهداف، مسئله، نتیجه‌گیری، و طرح پرسش در هر فصل است که آن را به صورت یک کتاب درسی با خوانایی خوب در آورده است. طرح تعدادی از نظریه‌های اخلاقی اندیشمندان اسلامی و غربی به صورت مختصر و ساده‌فهم نیز از نکات برجسته کتاب است.

مؤلفان اثر به ترتیب احد فرامرز قراملکی، استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، خانم لعبت درخشانی، کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه الزهراء، و سعید رضائی شریف‌آبادی، استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهراء، هستند. در نشست با عنوان «نقد و بررسی کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی» که روز ۶ خرداد ۱۳۹۲ در باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران با حضور مؤلفان کتاب برگزار شد (کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شنبه ۴ خرداد ۱۳۹۲) و نویسنده

نقد حاضر نیز در آن حضور داشت، رضائی شریف‌آبادی (۱۳۹۲) اظهار کرد که پایه کتاب حاضر پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم درخشانی است که البته طی یک کار مستقل و با بهره‌گیری مستقیم و مؤثر از نویسنده نخست کتاب پس از دفاع از پایان‌نامه توسعه یافت و به شکل کتاب درسی منتشر شد. از درخشانی و رضائی شریف‌آبادی (۱۳۹۳) کتاب *از اخلاق حرفه‌ای دانش‌کاران را تا اخلاق اطلاعاتی* نیز سه سال پس از نشر کتاب مورد نقد در نشر کتاب‌دار منتشر شده است که متشکل از ترجمه پنج مقاله است.

درس اخلاق حرفه‌ای تا سال ۱۳۸۸ جزو برنامه درسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی نبوده است (دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی ۱۳۹۶). در بازنگری برنامه درسی سال ۱۳۷۵ این رشته در سال ۱۳۸۸ که طی آن تغییرات زیادی در برنامه درسی این رشته اعمال شد درس «اخلاق حرفه‌ای» به عنوان درسی دو واحدی جزو دروس پایه گنجانده شد. دقیقاً از آن تاریخ به بعد است که شاهد انتشار کتاب‌هایی هستیم که با عنوان اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی به زبان فارسی منتشر می‌شوند؛ البته به جز یک کتاب با عنوان *اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داران و اطلاع‌رسانان* به گردآوری و ترجمه جمعی از مترجمان و ویراستاری علیرضا اسفندیاری مقدم. «پرکردن خلأ اثری که یک‌جا به حوزه اخلاق کتاب‌داران و اطلاع‌رسانان پرداخته باشد» به عنوان هدف اول و به طبع هدف اصلی این کتاب در مقدمه اثر ذکر شده است (انجمن کتاب‌داری قم ۱۳۸۶) و این نشان می‌دهد تا قبل از این کتاب اثر منسجمی در این خصوص منتشر نشده بوده است. قبلاً مباحث اخلاق حرفه‌ای در قالب بخشی از درس «مبانی کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی» در دوره کارشناسی ارشد یا دروس «کتاب‌خانه و کتاب‌داری» و «خدمات عمومی» در دوره کارشناسی آموخته می‌شد و لذا می‌بینیم که متأسفانه تا همین اواخر بحث اخلاق حرفه‌ای یکی از مباحث حاشیه‌ای و به عنوان یکی از فصول کتب مبانی کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی یا علم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده است.

کتاب دیگر این حوزه کتاب *چالش‌های اخلاقی در عصر اطلاعات*، ترجمه علیرضا ثقة‌الاسلامی، به سال ۱۳۸۸ است که شامل یک مقاله تألیفی و سه مقاله ترجمه‌ای است و هم‌زمان با تصویب برنامه درسی جدید رشته منتشر شده است. کتاب دیگر به سال ۱۳۸۹ و با عنوان *اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری*، تألیف عصمت صدری‌فرد و شعبان طاهری، در انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی منتشر شد که از ظاهر آن پیدا بود که مستخرج از بخش مبانی نظری یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. ۱۲۹ صفحه اول این کتاب به معرفی کتاب‌داری، اخلاق، و اهمیت اخلاق حرفه‌ای اختصاص داشت و سی صفحه به اخلاق

حرفه‌ای در کتاب‌داری ورود کرده بود. در نهایت هم چند نظام‌نامه و اصول اخلاق حرفه‌ای از کشورهای مختلف ترجمه و اضافه شده بود.

در این فضای نبود یک کتاب تألیفی در حوزه «اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی» بود که کتاب موردنقد حاضر پا به عرصه گذاشت و در سال ۱۳۹۰ در سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) به چاپ رسید. پس از آن، کتاب‌های دیگری منتشر شدند که اولی کتاب *اخلاق/تشریحات علمی*، به قلم عباس حری، به سال ۱۳۹۰ بود که در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام واقع در شهر شیراز منتشر شد و اولین اثر اخلاقی بود که به یکی از مسائل تخصصی رشته می‌پرداخت. کتاب بعدی کتابی به قلم دو تن از مؤلفان کتاب موردنقد حاضر بود که به سال ۱۳۹۳ منتشر و قبلاً معرفی شد. در همان سال، کتاب دیگری با عنوان شرح ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داران در آیین اسلام، تألیف حمیدرضا مرادزاده، علی پوراحمد، و سارا اسدی، منتشر شد که همانند سایر کتاب‌های کم‌حجم و سه‌نویسنده‌ای و باعنایت به ساختار و سبک نگارش مستخرج از پایان‌نامه به نظر می‌رسد. در سال ۱۳۹۴، کتاب *درآمدی بر اخلاق اطلاعات*، ترجمه علیرضا ثقة‌الاسلامی، را داریم که به سبک کتاب قبلی همین مؤلف شامل یک مقاله تألیفی و چهار مقاله ترجمه‌ای است و با عنوان «ترجمه و تألیف» منتشر شده است. در نهایت در سال ۱۳۹۵ شاهد دومین کتاب اخلاقی با یک موضوع تخصصی در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی هستیم با عنوان *اخلاق در کتابخانه‌های دیجیتال*، تألیف کوکی جی. اندرسون (Cokie G. Anderson) و ترجمه میترا صمیعی و حمیده معماری هنجنی که در نشر کتاب‌دار چاپ شده است. بنابراین، کتاب حاضر هم‌چنان تنها اثر تألیفی کل‌نگر در این حوزه است که عملاً به‌عنوان منبع درسی اصلی این درس شمرده می‌شود.

۴. نقد شکلی

صورت ظاهر یک اثر به‌عنوان اولین عنصر ارتباطی خواننده - متن و شاکله و استقرار آن تأثیر اولیه شکل‌دهنده‌ای در خواننده می‌گذارد. تحقیقات زیادی در خصوص اثر شاکله متن بر تصور خواننده بر محتوا انجام شده و کتب زیادی در این خصوص نوشته شده است که برخی از آن‌ها بنیادی‌اند و بیان می‌کنند وجوه خطابی و ساختار متن، بر سازنده تصور خواننده از علمی بودن و غیرعلمی بودن، وثاقت و عدم وثاقت، و وزین بودن یا نبودن است و بر انتخاب اثر برای خواندن اثر مستقیمی دارد (see Mann and Tompson). بنابراین شکل

کتاب به‌عنوان اولین رابط بصری خواننده - متن می‌تواند اولین عنصر نقد هر اثر نیز باشد. کتاب *اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی* بسیار سراسر طبق استاندارد انتشاراتی سازمان سمت منتشر شده است؛ با همان فونت و قطع رسمی که دانشگاهیان با آن آشنایی دارند: کاغذ سفید هفتادگرمی اندونزی، مقوای جلد ۲۵۰ گرمی با سلفون شفاف، چسب گرم در عطف، و صحافی نسبتاً محکم و البته بدون خط تا و در قطع وزیری. صفحه‌آرایی کتاب بسیار ساده و معمولی است، اما با یک نکته منفی: پانویس‌های یک یا دو کلمه‌ای هر صفحه در مواردی که امکان‌پذیر است به‌صورت افقی چیده نشده‌اند و به‌طور عمودی زیر هم آمده‌اند و این باعث می‌شود بخش زیادی از یک صفحه سفید و بدون استفاده باقی بماند و هم‌ترازی صفحات از بین برود. کتاب صفحه‌عنوان انگلیسی در انتهای کتاب (پس از نمایه) ندارد و لذا اگر کسی بخواهد به انگلیسی به کتاب حاضر استناد دهد، با دشواری مواجه خواهد شد.

در طراحی جلد اثر حاضر، از تصویرسازی استفاده شده است. تصویر روی جلد کتاب‌خانه معظمی را نشان می‌دهد که نشان از کتاب‌خانه‌های مجلل و باشکوه سبک گوتیک با سرسراهای دراز و طاق بلند قرون وسطی و اوایل عصر روشن‌گری اروپا را دارد که زیبایی کلیسای مسیحی و غایت منظم و سازمان‌یافتگی را تصویر می‌کند. این تصویر به‌نوعی نگاه آرمان‌گرایانه به نظم، عظمت، و شکوه یک کتاب‌خانه مطلوب در نظر انتخاب‌کنندگان تصویر را می‌رساند. با این حال، این تصویر به‌سختی نشان‌دهنده اخلاق در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی می‌تواند باشد، مگر این‌که اسطوره نظم در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی را بخواهیم با اخلاق هم‌آمیخته تلقی کنیم و به آن به‌عنوان نتیجه به‌سامانی اخلاقی هر کتاب‌خانه بنگریم که در نشانه‌شناسی به آن اثر جابه‌جایی می‌گویند. بر اثر جابه‌جایی، طراح تلاش می‌کند تا اثر یک تصویر را به محتوای یک شیء یا مفهوم تسری دهد، مثل تصویر موهای دختری زیبا روی یک شوینده سر.

می‌توان تحلیل دیگری از طرح روی جلد کتاب با استفاده از رویکرد دیالکتیک فضایی آنری لوفر (Henri Lefebvre) (۱۳۹۵) ارائه کرد. لوفر (۱۳۹۵) با ره‌یافتی مارکسی به فضا می‌نگرد و می‌گوید فضاها بازنمایاننده شیوه‌های تولید در هر عصرند. فضاها بازنمایاننده مناسبات قدرت یا مقاومت در برابر قدرت‌اند. از این نکته می‌توان برای تحلیل عکس روی جلد این کتاب بهره برد. فضای کتاب‌خانه به‌سبک گوتیک که بازنمایاننده برش غیرسرمایه‌دارانه و کارافزایانه از فضاست با فضای کتاب‌خانه مدرن که یک‌دست (بدون دیوار) و بدون تکلف است و کارایی و کنترل افراد را آسان‌تر می‌کند متفاوت است. فضای

کتاب‌خانه به سبک گوتیک کتاب‌خانه را به محلی برای تولید (دانش، اطلاعات، تکنولوژی، ایده) باز نمی‌نمایاند، بلکه سبک کلیسایی، پرمفد، سلسله‌مراتبی، و پراز زوایای غیرقابل کنترل آن بازنمایاننده فضایی برای تعالی روح و تشخیص‌یابی است. هرچند در تصویر جلد این کتاب کارافزایی مدرن با تعالی روح پیشامدرن آمیخته است و فضایی را می‌بینیم که ساختمان پرمزوراز سلسله‌مراتبی و کلیساگونه‌اش نوعی نیایش معنوی با کتاب را جلوه‌گر می‌کند، اما صحن مدرن و کارافزایانه‌اش نماد کارکردگرایی و تمرکز به تولید است. گرایش ناخودآگاه به انتخاب این تصویر شاید بازنمایاننده وضع ناپایدار ایران امروز ما نیز باشد؛ وضعیتی گرفتارآمده بین سنت و مدرنیته که طبق آن در هر اقدام، تصمیم، رفتار، و حتی سبک آرایش و لباس پوشیدن و زندگی کردن عناصر سنت را با عناصر مدرن می‌آمیزیم و آمیخته‌ای نمایان از گیرافتادن بین سنت و مدرنیته را نمایش می‌دهیم. اما آنچه رویه انتشاراتی ناشران حرفه‌ای خارجی و داخلی است آن است که معمولاً در طرح جلد کتب نظری تصویر به کار نمی‌برند و از حروف‌نگاری یا بازی ابهام‌آمیز با علائم استفاده می‌کنند، مگر این که تصویری گویای صدهزار واژه درباره موضوع اثر باشد. به هر حال، نمی‌توان بین تصویر روی جلد و محتوای اثر رابطه معنایی برقرار کرد و صرفاً می‌توان آن را زیبا دانست یا سعی کرد تا تفسیری از غایت مطلوب انتخاب‌گران تصویر بیان کرد.

اغلاط املائی متن و مسائل رسم‌الخطی و نگارشی واقعاً کم است و این شایسته تقدیر است. مواردی انگشت‌شمار و جزئی هست که البته قابل اغماض است. هر فصل شامل اهداف فصل، بیان مسئله، نتیجه، و تمرین است که این محاسن می‌توانست با یک کتاب‌شناسی برای معرفی منابع بیش‌تر تکمیل شود. روش استناددهی متن پانویس ارجاعی است که روش سنتی ارجاع‌دهی کتب علوم انسانی است. این روش یک سهولت برای مؤلفان و یک مشکل برای خوانندگان به‌ارمغان می‌آورد و آن خوانش نام مؤلفان لاتینی برای خواننده است که به طبع عیناً پانویس شده و فارسی‌نویسی نشده است. این امر برای خواننده حرفه‌ای مشکل‌آفرین نیست، اما ممکن است برای دانشجو دشواری‌هایی ایجاد کند و تلفظ‌های نادرست را به واژگان او وارد کند. اما مشکل دیگر، به قول آذرنگ (۱۳۸۷) در کتاب *شمه‌ای از اطلاعات و ارتباطات*، یک مشکل مزمن، شایع، و درمان‌نشده در کتاب‌های فارسی است و آن عبارت است از مشکل نمایه‌های کتاب. آذرنگ (۱۳۸۷) با لحنی طنزآمیز در بیان این مشکل به صراحت به آثار ناشر بزرگی چون انتشارات خوارزمی اشاره می‌کند، اما اگر من بودم، انتشارات سمت را نیز از قلم نمی‌انداختم. نمایه‌های کتب این ناشر معتبر، مثل نمایه کتاب حاضر، واقعاً کاستی‌های عمده دارد. اگر بخواهم به مهم‌ترین موارد اشاره

کنم، باید بگویم که انتظار می‌رود مفاهیمی که به دلیل اهمیتی که نویسنده بدان‌ها قائل بوده و آن‌ها را پانویس انگلیسی کرده است در نمایه گنجانده شود، اما می‌بینیم که نمایه سه‌صفحه‌ای و مختصر این کتاب فاقد بسیاری از اصطلاحاتی است که در متن پانویس شده‌اند. اصطلاحات زیادی هستند که نمایه‌ای نیستند و در نمایه دیده می‌شوند، مثل کلمه *اصول اخلاقی* که اصطلاح عامی برای این کتاب است و شماره‌صفحه‌های زیادی جلوی آن نوشته شده است یا اصطلاح *بهره‌وری، احترام، و...* نام کتاب‌هایی که در اثر نام برده شده‌اند در نمایه نیامده و بسیاری از اصطلاحات مهم نیز مثل اصطلاح «وظایف مشروط» در نظریه رالز در نمایه نیامده است. در نمایه اشخاص نیز، متأسفانه منطق نام‌نویسی مشخص نیست. در برخی نام‌ها، نام خانوادگی اول و در برخی دیگر نام کوچک آمده است. در برخی موارد فقط نام خانوادگی ذکر شده (مانند فیلد، ص ۲۶۳) و در برخی موارد، دو نام اشتبهاً در یک سطر آمده (مانند جالینوس جانان گلور، ص ۲۶۳). به نظر می‌رسد ناشران حرفه‌ای هم‌چون سمت باید نمایه‌سازی کتاب را بسیار جدی بگیرند و آن را به‌عنوان زینت یا اضافه‌ای ننگند که بتواند اثر را از نقد «نداشتن نمایه» محفوظ بدارد.

۵. نقد محتوایی

در این بخش، به مهم‌ترین نقدهایی پرداخته می‌شود که به لحاظ محتوایی می‌توان درباره کتاب حاضر مطرح کرد و امید می‌رود باعث ایجاد زمینه‌ای برای بهبود و تقویت این کتاب مفید شود.

اولین نقد متوجه رویکرد کتاب حاضر است که، همان‌طور که در صفحه ۷۸ کتاب تأکید شده، مبتنی بر حقوق طبیعی صاحبان حق است. اولین نکته‌ای که در این خصوص می‌توان ذکر کرد خلطی است که در اثنای جملات بین حقوق و منافع پیش آمده است. هرچند در درس ۵ بر تمایز میان حقوق و منافع تأکید شده و اظهار شده که «اگر حقوق افراد رعایت شود، نفع آنان نیز حاصل می‌گردد، اما برعکس نمی‌توان ادعا کرد» (قراملکی و دیگران ۱۳۹۰: ۷۹)، در جای‌جای سطور فصول ۹ تا ۱۲ از نقش رعایت اخلاق حرفه‌ای در ارتقای حرفه، منافع سازمان، ارتقای خدمات، منافع ملی، بهبود کارکردها، بهره‌وری خدمات، و... سخن به میان آمده که نگاه به غایت اعمال را تقویت می‌کند و نوعی سودنگری مبتنی بر قاعده (rule utilitarianism) را به ذهن متبادر می‌سازد. در سودنگری مبتنی بر قاعده، «عمل آدمی درست است اگر بر وفق قاعده‌ای باشد [مثل حقوق] که تبعیت همگانی از آن به‌اندازه

هر قاعده بدیل دیگری برای جمیع مردمانی که از آن تأثیر می‌پذیرند فزونی خیر را بر شر به‌بار آورد» (هولمز ۱۳۸۹: ۲۸۳). هرچند در کتاب حاضر به‌طور ضمنی بیان شده که نقطه عزیمت اخلاق در آن حقوق است و نه منفعت، اما در جای‌جای کتاب غایت منفعت را به‌عنوان نتیجه قاعده رعایت حقوق مطرح ساخته است که آن را به اخلاق سودگرای مبتنی بر قاعده نزدیک کرده است؛ زیرا به‌تعبیر هولمز واژگان حقوق قابل‌بیان به زبان ارزش یا تکلیف است، اما واژگان ارزش یا تکلیف قابل‌بیان به زبان حقوق نیست (مثلاً نمی‌توان جمله ارزشی «او شخص خوبی است» را به زبان حقوق بیان کرد) (همان: ۵۴). نکته دیگر این ادعای کتاب است که «مراد از حقوق در این جا حقوق طبیعی است که غالباً غیرمدون و نانوشته‌اند» (قراملکی و دیگران ۱۳۹۰: ۷۸) که بحث حقوق را قابل‌مناقشه کرده است. اولاً بهتر است توضیح داده شود که منظور از «طبیعی» در حقوق طبیعی چیست و ثانیاً خاستگاه این حقوق کجاست که بتوان آن‌ها را بدان مستند کرد. نکته دوم آن‌که به این بحث پرداخته شود که چگونه می‌توان از حقوقی که به‌طور طبیعی (با تعریفی که از طبیعی می‌شود) موجود است» به این که «باید» چنین حقوقی رعایت شود رسید. طرح این معضل که به دیوید هیوم (David Hume) برمی‌گردد این نکته را برجسته می‌سازد که در بحث حقوق باید اولویت‌های حقوق مشخص شود و بسیاری از این اولویت‌ها در تنگنای اخلاقی (ethical dilemma) رخ می‌نماید. برای مثال، بازگرداندن امانت به امانت‌دهنده از حقوق امانت‌دهنده است، اما آیا اگر امانت او یک تفنگ باشد و مطمئن باشیم که او با پس گرفتن امانت خویش فردی را خواهد کشت، باید این امانت را ادا کرد؟ یکی از کارهایی که می‌تواند این کتاب را تقویت کند طرح تنگنای اخلاقی‌ای است که در آن اولویت حقوق مشخص می‌شود و گرنه، همان‌طور که در کتاب ذکر شده است، مردم عرفی و شهودی به کلیات حقوق افراد موردتعامل خویش آگاه‌اند.

نقد دوم مربوط به گستره صاحبان حقی است که در درس نهم (قراملکی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۴۴) طی یک نمودار و با تقسیم‌بندی آن به صاحبان حق در محیط درونی و محیط بیرونی طرح شده است. در فصول ۹ تا ۱۲، صرفاً به حقوق بخشی از این صاحبان حق درقبال کتاب‌خانه اشاره شده است و برای مثال به حقوق رسانه‌های گروهی، تأمین‌کنندگان، و مالکان درقبال کتاب‌خانه پرداخته نشده است. این پرداخت نامتناسب بین مفاهیم مندرج در نمودار و شروح متعاقب آن در متن در برخی فصول دیگر نیز دیده می‌شود که اصلاح آن به انسجام متن کمک خواهد کرد. برای مثال، در صفحه ۱۴۸ کتاب، مسئولیت‌های

اجتماعی کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی طی یک نمودار ذکر شده است، اما در توضیح مفاد نمودار موردی مانند «آموزش سواد اطلاعاتی» وجود دارد که در نمودار جزو مسئولیت‌های اجتماعی کتاب‌خانه‌ها نیامده است. نکته مهم‌تر غفلت از حقوق صاحبان حقی با نام تخصصی «گروه‌های خاص» (special groups) در کتاب‌خانه است که شامل کودکان، بزرگسالان نوسواد، افراد با ملیت غیرایرانی، و افراد با آسیب‌ها و معلولیت‌های ذهنی و جسمی است که هرچند در مفهوم کلی کاربر به حساب می‌آیند، به دلیل شرایط خاصشان حقوقی متفاوت از افراد معمولی دارند و شایسته است به حقوق آن‌ها در قبال کتاب‌خانه در مباحث جداگانه‌ای پرداخته شود.

نقد سوم مربوط به ضعف‌هایی است که در تعریف کتاب‌داری به چشم می‌خورد و این نقطه آغازی برای برخی ضعف‌های دیگر شده است. درحالی‌که سالیانی است که در متون و مقالات نظری حوزه کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی گفته شده است که کتاب‌داری با «اطلاعات» سروکار دارد و «کتاب» یکی از محمل‌ها از چندین و چند محمل اطلاعاتی و کتاب‌خانه یکی از چندین و چند مرکز اطلاعاتی است، مؤلفان ابراز داشته‌اند که «کتاب‌داری کاری معطوف به کتاب است» (همان: ۹۱). هرچند در ادامه تعریف مبسوط‌تری از دامنه تعلقات «کتاب» آمده است، باز هم بسیاری از تعاریف و استلزامات دیگری که کلمه «اطلاعات» در خود دارد، خودبه‌خود نادیده گرفته شده است. برای مثال، بسیاری از اطلاعاتی که از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی، شبکه‌های اجتماعی، خبرگزاری‌ها، رسانه‌های گروهی، وبلاگ‌ها، و همه انواع اطلاعاتی که به‌واسطه ظهور فناوری اطلاعات به‌شکلی جدید مورد استفاده کاربران قرار می‌گیرد و کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به‌انحای مختلف با آن درگیرند، از دامنه تعریف کنار گذاشته شده است. از مهم‌ترین آموزش‌هایی که امروزه به کتاب‌داران داده می‌شود، آموزش سواد اطلاعاتی و آموزش تفکر انتقادی است. این دو آموزش معطوف به این هدف است که منابع اطلاعاتی را که هر روز با انجا و آشکال مختلف ظهور و بروز می‌کنند، بتوانند اعتباریابی کنند و وثاقت و درجه اعتمادپذیری آن را بسنجند. با تعریفی این‌چنینی از کتاب‌داری، دامنه معضلاتی که کتاب‌داران امروزه با آن درگیرند با ابعاد بهتری روشن می‌شود. برای مثال، جنبه‌های اخلاقی دسترسی به اطلاعات^۱، حصول اطلاعات^۲، درستی اطلاعات، امنیت اطلاعات، استفاده از اطلاعات برای پروپاگاندا، و... (Floridi 2006) اموری هستند که به‌واسطه تعریف «اطلاعات» به‌عنوان ابژه موردبررسی و کار در رشته کتاب‌داری رخ می‌نمایند. این ضعف در جاهای دیگر نیز خود را نشان داده است. برای مثال، در تعریفی که از اهداف کتاب‌خانه به‌نقل از کرایست (John M. Christ) (تألیف‌شده

به سال ۱۹۷۲ و ترجمه شده به سال ۱۳۶۵)، اهداف آموزشی و فرهنگی و اطلاع‌رسانی (قراملکی و دیگران ۱۳۹۰: ۹۲) آمده و به سایر نظریه‌ها و اهداف از سوی نظریه‌پردازان موثق خارجی و داخلی دیگر از جمله جان باد (John Budd) (هدف ارتباطی کتاب‌خانه) (باد ۱۳۸۹)، هدف پرکردن اوقات فراغت (موکهرجی ۱۳۸۸) (Ajit Kumar Mukherjee)، هدف بازیابی اطلاعات (فدائی ۱۳۸۹)، و... اشاره‌ای مختصر نشده است یا برای نمونه، ادعای غیرمستندی شده که «تنها الگوی اخلاق در کتاب‌داری الگوی فرلیچ (Froehlich) است که قابل‌بحث و بررسی است» (قراملکی و دیگران ۱۳۹۰: ۲۱۵) و این درحالی است که الگوهای دیگری از جمله الگوی ماسون (Mason 1986)، الگوی هامپتون (Haumpton 2002)، و الگوی فلوریدی (Floridi 2006) وجود دارد که ذکری از آن‌ها به‌میان نیامده است.

یکی از دلایل این ضعف تکیه کتاب بر برخی منابع و متون قدیمی و گاهی متزلزل در حوزه کتاب‌داری است. برای مثال، نظریه‌ها و تعاریف مطرح در سرتاسر درس ششم در پاره‌ای اوقات و گاهی در نکات حساس بر منابع قدیمی (برای مثال، قراملکی و دیگران ۱۳۹۰: ص ۹۳-۹۸)، مقالات کنفرانس‌های دانشجویی (همان)، و منابع ناموثق (همان: ۹۳، استناد به ویکی‌پدیا) استوار شده است، درحالی که از آن‌جاکه رشته کتاب‌داری از رشته‌های جدید و به‌سرعت در حال رشد است، بهتر می‌بود از متون و منابع نظری موثق‌تر و جدیدتری استفاده می‌شد.

این ضعف در تعریف کتاب‌داری و قراردادن کتاب به‌جای اطلاعات به‌عنوان «چیز» موردبررسی و کار در کتاب‌داری منتهی به آن شده است که اخلاق فناوری اطلاعات به‌عنوان بخشی جدا از اخلاق کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی و به‌عنوان یک درس انتهایی مختصر بیاید. درحالی‌که مسائل اخلاقی فناوری اطلاعات در تاروپود مسائل کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی نفوذ کرده است و چیزی جدای آن نیست و کتاب‌داران در خط مقدم درگیری با معضلات اخلاقی ناشی از فناوری اطلاعات در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی هستند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که بهتر بود مسائل، چالش‌ها، و حقوق ناشی از اطلاعات در بستر فناوری اطلاعات (مانند امنیت اطلاعات، حصول اطلاعات، درستی اطلاعات، گم‌نامی، حریم خصوصی، محرمانگی، و...) در لابه‌لا و اثنای سایر مباحث و حقوق اخلاقی در درس تقسیم می‌شد و موردبحث قرار می‌گرفت و به‌عنوان چیزی جدای از مباحث کتاب‌داری در قالب درسی جداگانه طرح نمی‌شد.

چهارمین نقد به برخی ناهماهنگی‌ها و گاهی تضادها در بیان مفاهیم برمی‌گردد. ادعاهای زیادی در متن هست که مستند نیستند و ارجاع ندارند. برای مثال، مسئولیت‌های حرفه‌ای

کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی (قراملکی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۰۵) یا انواع تعاریفی که از کتاب‌خانه در درس هفتم ارائه شده است (همان: ۱۱۰، ۱۱۱) یا مثلاً این ادعا و تعریف مشکل‌ساز که «کتاب‌خانه عمومی کتاب‌خانه‌ای است که از منابع مالی دولتی شکل می‌گیرد» (همان: ۱۱۹) درحالی‌که این‌گونه نیست. اما برخی جملات و عبارات بدیهی مانند «مرام اخلاقی یکی از مؤلفه‌های هر حرفه است. اخلاق حرفه‌ای نقش حیاتی در شایستگی حرفه‌ای دارد» و جمله بدیهی بعدی آن یعنی «هیچ حرفه‌ای بی‌نیاز از نظام اخلاقی نیست...» (همان: ۱۲۷) ارجاع دارند و مستند به متن شده‌اند. هم‌چنین، برخی اصطلاحات که مهم‌ترین آن‌ها واژه «فردگرایی» است با تعریف یک‌سانی در متن به‌کار برده نشده است. برای مثال، تعریفی که از «فردگرایی» در اخلاق در درس سوم کتاب ارائه شده است اِشعار بر این دارد که فردگرایی اخلاقی ناظر بر این است که حسن و قبح اخلاقی از منظر تأثیراتی که روی فرد عامل به اخلاق دارند سنجیده می‌شوند؛ اما مفهوم «فردگرایی اخلاقی» در درس هشتم بر این نکته تأکید دارد که بازیگر اصلی و عامل اثرگذار بر صحنه اخلاق فرد است و نه سازمان، محیط، یا جامعه. هم‌چنین، ادبیات حاضر، به‌ویژه از درس نهم به بعد، سرشار از اصطلاحات و جملاتی است که در آن کتاب‌خانه را به‌عنوان یک بنگاه تجاری و کاربر را به‌عنوان یک مشتری شناسانده است. با این تعبیر، اطلاعات به‌مثابه کالایی دانسته شده است که میان آن بنگاه و این مصرف‌کننده براساس ارزش مبادله ردوبدل می‌شود. چنین تلقی‌ای از اطلاعات نمی‌تواند کارکرد «ایجاد تعدیل در قشریندی‌های اجتماعی ناشی از توزیع نابرابر اطلاعات» (همان: ۱۳۳) را که معنای ضمنی آن نگاه به اطلاعات به‌عنوان چیزی که نباید تحت انحصار و کنترل قشر یا گروهی خاص درآید پوشش دهد. نگاه تجاری به اطلاعات انحصار را به‌جای عمومیت و ارزش مبادله را به‌جای ارزش تعالی می‌نشانند. بنابراین، ایجاد هماهنگی و یک‌دستی بین ادبیات پرداخت به کاربر و کتاب‌دار و وظایف و کارکردهایی که برای کتاب‌خانه برشمرده شده است هم بهتر می‌تواند به نشان‌دادن رویکرد منسجم مؤلفان کمک کند و هم می‌تواند به یک‌پارچگی بیش‌تر متن منتهی شود.

پنجمین و آخرین نقد مربوط هدف کتاب حاضر مبنی بر پرداختن به اخلاق حرفه‌ای در سطح تصمیمات، سیاست‌ها، و آیین‌نامه‌هاست (همان: ۱۳۷). از بیان هدف حاضر، انتظار خواننده بر آن است که رفتارهای اخلاقی تأثیرگذار کتاب‌داران در آیین‌نامه‌ها و سیاست‌هایی که حقوق جامعه، کاربر، صاحبان محتوا، و... به‌واسطه آن‌ها رعایت می‌شود موردبحث قرار گیرد. مثلاً، چه نوع آیین‌نامه‌هایی و چه نوع سیاست‌گذاری‌هایی و چه خط‌مشی‌گذاری‌هایی

در مجموعه‌سازی، سازمان‌دهی، اشاعه، و مدیریت اطلاعات بهتر می‌تواند به اعاده و رعایت حقوق طرف‌های صاحب حق منتهی شود. هرچند که به این بحث نیز در فصول ۹ تا ۱۲ اجمالاً پرداخته شده و متن خالی از این بحث نیست، در همین فصول مشاهده می‌کنیم که در بیان مسئولیت‌های اخلاقی بعضی مسئولیت‌های فرد کتاب‌دار در قبال طرف‌های حق طرح می‌شود و رویکرد سازمانی گاهی نادیده گرفته می‌شود و پس از طی یک بحث فردگرا دوباره نیم‌نگاهی به طرح سازمانی اخلاق انداخته می‌شود. متن در نگاه فردگرا به اخلاق و نگاه سازمانی به آن در نوسان است. برای مثال، در درس دهم، ذیل تیتراحترام اصیل، در پاراگراف اول بحث شده است که «احترام به کاربران در نخستین گام وظایف اخلاقی کتاب‌خانه و مراکز اطلاع‌رسانی قرار دارد...» (همان: ۱۶۳) و بحث ادامه پیدا می‌کند تا این که اظهار می‌شود «قوانین و مقررات نیز ممکن است موجب احترام و بی‌احترامی شود. به همین دلیل، مقررات و آیین‌نامه‌ها در کتاب‌خانه محتاج ممیزی اخلاقی‌اند» (همان: ۱۶۴). و با پایان این پاراگراف بحث سازمانی برای مدتی به فراموشی سپرده می‌شود و اظهار می‌شود که «آراستگی ظاهری اعم از آراستگی کتاب‌داری یا زیبایی و آراستگی محیط فیزیکی نقش مهمی در رعایت حق احترام به کاربران دارد». این در حالی است که، باتوجه به هدف کتاب، خواننده انتظار دارد که مؤلفان به طرح خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، و آیین‌نامه‌هایی پردازند که در آن همه موارد فردی و کاری کتاب‌خانه طوری لحاظ شود که باعث احترام به کاربر شود و اگر صرفاً به توصیه‌هایی که رنگ‌وبوی فردی دارند بسنده شود، در واقع نقض غرض شده و به اخلاق فردگرا بنابه تعریف کتاب بازگشت شده است. برای مثال، خواننده انتظار دارد که مؤلفان در ذیل تیتراهای «تهیه مناسب‌ترین منابع»، «وجین روش‌مند»، «سازمان‌دهی مناسب منابع» (همان: ۱۶۵)، «فضا و فناوری مناسب» (همان: ۱۶۷)، و «استفاده از کتاب‌داران حرفه‌ای» شاهد توصیه‌هایی سیاستی در تدوین خط‌مشی باشد که به همه موارد فوق منتهی شود. برای مثال، در ذیل تیترا «تهیه مناسب‌ترین منابع»، می‌توان این امر را مطرح کرد که در خط‌مشی تهیه منابع، باید شاخص‌هایی برای انتخاب ناشران یا انتخاب منابع اتخاذ کرد که باعث طرد یا کنارگذاری عده‌ای خاص از ناشران یا منابع نشود یا باعث نشود از گروه خاصی از ناشران که به طیف فکری یا سیاسی خاصی مرتبط‌اند بیش‌تر خرید شود. حتی می‌توان به پاره‌ای از این شاخص‌ها نیز برای آشنایی کتاب‌داران اشاره کرد. بنابراین، انتظار این است که توصیه‌هایی سازمانی که عبارت از توصیه‌های سیاستی و آیین‌نامه‌ای است مطرح شود تا هدف موردنظر کتاب برآورد شود و گرنه توصیه‌ها رنگ‌وبویی فردگرایانه خواهند داشت.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود مسائل اخلاقی موجود در محیط اطلاعاتی کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به‌طور ملموس در نظر حرفه‌مندان آید و ارتباطی عینی با آن برقرار کنند آن‌که تنگناهای اخلاقی‌ای ترسیم شود که طی آن حقوق با یک‌دیگر تزاخم پیدا می‌کنند و لازم می‌شود اولویت حقوق را معین کرد. ترسیم تنگناهای اخلاقی، با در نظر گرفتن «اطلاعات» به‌عنوان «چیز» مورد بررسی و کار در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، دارای ابعاد فراتر از مفهوم «کتاب» است و شامل تولید، فرایند گردش، و اشاعه اطلاعات نیز می‌شود و مباحثی را درگیر می‌کند که امروزه در اخلاق فناوری اطلاعات نیز بحث می‌شود. مرور ادبیات اخیر اخلاق در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی می‌تواند به‌وضوح آشکار سازد که مباحث اخلاق فناوری اطلاعات شکلی جدایی‌ناپذیر از اخلاق کتاب‌داری یافته‌اند و کاملاً با آن ممزوج مطرح می‌شوند. لذا به‌نظر می‌رسد اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی اخلاق حرفه‌ای مربوط به فضای اطلاعات (infosphere) است. این فضای اطلاعات امروز بخشی از منازل افراد است و کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی با شدت وحدت بیش‌تری درگیر آن هستند؛ زیرا مراکز غنی اطلاعات‌اند. بنابراین، به ارائه‌ی طریقی نیاز است که باعث شود کتاب‌داران و اطلاع‌رسانان خط‌مشی‌ها و سیاست‌هایی را تدوین کنند که به رعایت حقوق منتهی شود و این چیزی فراتر از رعایت فردی حقوق صاحبان حق است. بسیاری از معضلات کنونی کتاب‌داران و اطلاع‌رسانان تزاخمی است که بین آیین‌نامه‌های خودساخته آنان یا سیاست‌ها و قوانین بالادستی و رفتار متناسب با شرایط واقعی با صاحبان حق ایجاد می‌شود. برای برخورد واقعی با چالش‌های اخلاقی در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی می‌بایست سعی بیش‌تر را معطوف به این مسئله کرد. در پایان، رویکردی را که می‌تواند برای تقویت کتاب حاضر اتخاذ شود عملاً از نظر گذرانده می‌شود. اول این‌که نمایه کتاب اصلاح یا نمایه دیگری برای کتاب تهیه شود. در صورت امکان صفحه‌آرایی کتاب تغییر یابد. صفحه‌عنوان انگلیسی برای آن تهیه شود. اگر قرار است تغییر ویرایشی انجام شود، بهتر است در طراحی جلد کتاب نیز تنوعی صورت بگیرد و از حروف‌نگاری و طرح ساده و رمزگون استفاده شود که خوانش ابهام‌آمیز و مرتبط با محتوای آن را میسر کند. در مورد محتوا به‌نظر بهتر است که در ابتدا یک سیاست تغییر لحن و متناسب‌سازی واژگان و زبان نگارش حق‌محور اتخاذ شود و زبان نفع‌گرا و سودنگر کنار گذاشته شود. هم‌چنین، موقعیت‌های اخلاقی مختلفی، با توجه به کارکردهای مختلف کتاب‌خانه (امانت، فهرست‌نویسی، مرجع، و...) که نشان‌دهنده یک تنگنای اخلاقی

است، به‌طور مصنوعی یا با تکیه بر تجارب واقعی خلق شود و راه برون‌رفت اخلاقی از آن فضا را با تکیه بر رویکرد کتاب نشان دهد. مورد بعد اصلاح نمودار صفحه ۱۴۴، توجه به همه صاحبان حق در قبال کتاب‌خانه، و توجه به حقوق گروه‌های خاص (بزرگسالان نوسواد، کودکان، معلولان، فقرا، افراد آسیب‌پذیر اجتماعی، اقلیت‌های قومی با زبان‌های مختلف و متفاوت، و مهاجران) است. هم‌چنین، تمرکز بر «اطلاعات» به‌عنوان «چیز» مورد بررسی و کار کتاب‌دار و استفاده از منابع جدیدی است که این رویکرد البته نه‌چندان جدید و جافتاده را بازگو می‌کنند و مؤلفان متخصص علم اطلاعات در این کتاب حتماً به این منابع اشراف دارند. روی منابع جدید و مؤلفان پیش‌رو در این زمینه تمرکز شود و آرای آن‌ها در توسعه کتاب حاضر مورد استفاده قرار گیرد؛ افرادی مثل رافائل کاپورو، روبرت هاتمن، برند فرومان، لوچینانو فلورییدی، ترل باینوم، برند کارستن استال، چارلز اس، و... مؤلف نقد حاضر مقاله‌ای دارد با نام «تعریف و دسته‌بندی جامعه‌شناختی از حوزه اخلاق اطلاعات» (۱۳۹۴) که در آن بیست مدل اخلاق اطلاعات را مرور و نقد کرده و خود در انتها مدلی جدید ارائه داده است. برای بررسی عمیق‌تر مدل‌های اخلاق اطلاعات در این کتاب مقاله حاضر می‌تواند مدخل مناسبی باشد.

نکته بعد مستندسازی ادعاهای چالش‌انگیز است که به برخی از آن‌ها اشاره شد و حذف ارجاعات کاذب است. هم‌چنین، باتوجه به الگوی حق‌گرای کتاب حاضر، بهتر است از بازنمایی تجاری کتاب‌خانه که سودگرایی را القا می‌کند اجتناب شود که این نیز به تغییر لحن، زبان، و واژگان در نگارش برمی‌گردد که البته ریشه در پیش‌فرض‌ها دارد. هم‌چنین، یک‌دست‌سازی استفاده از مفاهیم مثل مورد فردگرایی، و کنترل مفاهیم دیگر، پیش‌نهاد می‌شود. پیش‌نهاد آخر این که در فصول انتهایی کتاب، همان‌طور که از بیان اهداف و ره‌یافت کتاب استنباط می‌شود و انتظار برمی‌انگیزد، تحلیل‌ها از سطح رفتار فردی به سطح الگوها، خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، و آیین‌نامه‌های کاری ارتقا یابد و آموزش داده شود که چگونه می‌توان چهارچوب‌هایی این‌چنینی تدوین کرد که رعایت اخلاق حرفه‌ای حق‌گرا را برای کتاب‌دار، کاربر، و همه تعامل‌گران صحنه کتاب‌خانه آسان‌تر کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دسترسی به اطلاعات (information accessibility) اشعار بر این دارد که چه اندازه اطلاعاتی که می‌تواند آگاهی لازم را برای انجام عمل اخلاقی به‌دست دهد وجود دارد. یکی از حقوق کاربران می‌تواند این باشد که کتاب‌دار اطلاعات و آگاهی‌های لازم را برای عمل اخلاقی در محیط

اطلاعات به او بدهد؛ زیرا پیش‌فرض این است که بسیاری از اعمال غیراخلاقی در محیط اطلاعات به دلیل فقر اطلاعات است. در اخلاق اسلامی و سایر ادیان آسمانی عدم اطلاع از زشتی اعمال گناه را بخشودنی می‌کند.

۲. حصول اطلاعات (information availability) إشعار بر این دارد که چه اطلاعاتی به لحاظ اخلاقی درست است که در دسترس باشد. همیشه دسترسی به اطلاعات به عمل اخلاقی کمک نمی‌کند و گاهی اوقات عدم دسترسی به اطلاعات به اخلاق یاری می‌رساند؛ مثلاً عدم دسترسی به اطلاعات کسانی که درباره مقاله‌شان در یک مجله داوری می‌کنیم. یکی دیگر از حقوق کاربران می‌تواند این باشد که اطلاعاتی که انجام عمل اخلاقی را برایشان ناممکن می‌سازد در اختیارشان قرار نگیرد.

کتاب‌نامه

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۷)، *شمه‌ای از اطلاعات و ارتباطات*، تهران: کتاب‌دار.
- انجمن کتاب‌داری قم (۱۳۸۶)، *اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داران و اطلاع‌رسانان*، ویراسته علیرضا اسفندیاری مقدم، تهران: کتاب‌دار؛ انجمن کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی ایران.
- اندرسن، کوکی جی. (۱۳۹۵)، *اخلاق در کتاب‌خانه‌های دیجیتال*، ترجمه میترا صمبعی و حمیده معماری هنجنی، تهران: کتاب‌دار.
- باد، جان (۱۳۸۹)، *ارتباط‌شناسی و کتاب‌داری*، ترجمه محبوبه مهاجر و نورالله مرادی، تهران: سروش.
- ثقة الاسلامی، علیرضا (۱۳۸۸)، *چالش‌های اخلاقی در عصر اطلاعات: جستارهایی در اخلاق اطلاعات*، تهران: چاپ‌ارب؛ همارا.
- ثقة الاسلامی، علیرضا (۱۳۹۴)، *درآمدی بر اخلاق اطلاعات*، تهران: اساطیر پارسی؛ چاپ‌ارب.
- حری، عباس (۱۳۹۰)، *اخلاق انتشارات علمی*، شیراز: پایگاه استنادی علوم جهان اسلام.
- درخشانی، لعبت و سعید رضائی شریف‌آبادی (۱۳۹۳)، *از اخلاق حرفه‌ای دانش‌کاران تا اخلاق اطلاعاتی*، تهران: کتاب‌دار.
- دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۸۶)، «برنامه درسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی (در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری)»، بازیابی شده در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ از: <http://www.old.msrt.ir/fa/prog/ApprovedCourses/Forms/AllItems.aspx>.
- شقایقی، مهدی و محمدرضا وصفی (۱۳۹۴)، «تعریف و دسته‌بندی جامعه‌شناسی از حوزه اخلاق اطلاعات»، *تعامل انسان و اطلاعات*، س ۲، ش ۲.
- صدری‌فرد، عصمت و شعبان طاهری (۱۳۸۹)، *اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- فتح‌زاده، حسن (۱۳۹۳)، *هوسرل، اخلاق، دریدا*، تهران: ققنوس.

نقدی بر کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی (مهدی شقاقی) ۲۲۷

فدائی، غلامرضا (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر هویت کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی*، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.

قراملکی، احد فرامرزی، لعبت درخشانی، و سعید رضائی شریف‌آبادی (۱۳۹۰)، *اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی*، تهران: سمت.

کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۴ خرداد ۱۳۹۲)، «نقد کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی در دانشگاه تهران»، بازیابی شده در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ از: <http://www.ical.ir>.

لوفور، هانزی (۱۳۹۵)، *فضا، تفاوت، زندگی روزمره: خوانش هانزی لوفور*، ترجمه افشین خاکباز، تهران: تیسرا.

مرادزاده، علیرضا، علی پوراحمد، و سارا اسدی (۱۳۹۳)، *شرح ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای کتاب‌داران در آیین اسلام*، تهران: دبیزش.

میرباقری، محمدمهدی (۱۳۹۲)، *نگاهی بنیادین به نسبت اخلاق و فناوری اطلاعات*، قم: دفتر نشر معارف. هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۹)، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، ویراست سوم، تهران: ققنوس.

Fallis, D. (2009), "A Conceptual Analysis of Disinformation", *iConference*, Chapel Hill: NC, California, USA.

Floridi, L. (2006), "Information Ethics, its Nature and Scope", in: *Moral Philosophy and Information Technology*, J. van den Hoven and J. Weckert (eds.), Cambridge: Cambridge University Press.

Hauptman, R. (2002), *Ethics and Librarianship*, London: McFarland & Co.

Mann, William C. and Sandra A. Tompson (1988), "Rhetorical Structure Theory: Toward a Functional Theory of Text Organization", *Text*, vol. 8, no. 3.

Mason, R. O. (1986), *Four Ethical Issues of the Information Age*, MIS Quarterly, March.